

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال نهم، شماره دوم، شماره ترتیبی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۷

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۶/۸/۱۰، ۱۳۹۶/۹/۱۰، ۱۳۹۶/۱۰/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

صص ۹۴-۷۷

بازنمایی طرحواره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن

* مدینه کریمی بروجنی

** مرتضی قائمی

*** شیرین پوراابراهیم

چکیده:

طرحواره‌های تصویری از مفاهیم مهم و زیرساختی مطرح در پژوهش‌های معنی‌شناسان شناختی است که در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی نقش به‌سزایی دارند. از مهم‌ترین طرحواره‌های تصویری، طرحواره نیرو است که نخستین بار جانسون (۱۹۸۷) بر نقش آن در مفهوم‌سازی رخدادها تأکید نمود. این طرحواره که از تجربه تعامل ما با جهان بیرون نشأت می‌گیرد، ابزاری پایه برای درک بسیاری از مفاهیم ذهنی است. زبان دین به‌ویژه قرآن حاوی استعاره‌های زیادی است که برخی از آن‌ها با طرحواره نیرو ساماندهی می‌شوند. لذا جستار حاضر در صدد است با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی پاسخ‌گوی این پرسش باشد که طرحواره نیرو به عنوان بخشی از طرحواره‌های مطرح در نظریه شناختی، تا چه حد می‌تواند مدل مناسبی برای مطالعه استعاره‌های قرآن به‌ویژه استعاره‌های اخلاق باشد و عملکرد حالات هفتگانه نیرو در مفهوم‌سازی و درک مفاهیم اخلاقی قرآن چگونه است؟ بدین منظور، داده‌های این پژوهش که از میان کل استعاره‌های قرآن استخراج شد، مورد بررسی قرار گرفت و انواع طرحواره تصویری آن بر اساس طبقه‌بندی‌های موجود در نظریه بررسی گردید. نتایج این بررسی حاکی از آن است که در زیر ساخت استعاره‌های موجود حالات هفت‌گانه نیرو مشاهده می‌شود که الگوی بسیار مناسبی برای بررسی این استعاره‌های قرآنی می‌باشد. نمونه‌های فراوانی از هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی در قرآن از طریق استعاره‌های حاوی طرحواره‌های اجبار، مانع، رفع مانع، تغییر مسیر و یا انحراف، نیروی متقابل، جذب و کشش و توانایی قابل درک و شناخت هستند.

واژه‌های کلیدی:

معنی‌شناسی شناختی، طرحواره‌های تصویری، نیرو، گزاره‌های اخلاقی، استعاره سفر

madinehkarimi@gmail.com

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان

mortezaghaemi2@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسؤول)

pourebrahimsh@pnu.ac.ir

*** دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور

Copyright©2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی^۱ رویکردی نوین است که در آن زبان الگوی اندیشه و ویژگی‌های ذهنی انسان را منعکس می‌کند (کرافت و کروزر، ۲۰۰۴). محققان شناختی با این فرض که ذهن یک دستگاه بازنمایی است، در تلاش‌اند تا چگونگی بازنمایی تجربیات انسان از جهان را در ذهن او توصیف کنند (لوریا، ۱۳۷۶: ۷). معناشناسی شناختی^۲ که یکی از حوزه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی است به بررسی رابطه میان تجربه انسانی، نظام مفاهیم و ساختار معنایی زبان می‌پردازد (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۲۲). از محورهای اصلی مطالعات معنی‌شناسی شناختی، می‌توان به طرح‌واره‌های تصویری اشاره نمود که به عقیده لیکاف می‌توانند به عنوان حوزه‌های مبدأ در نگاشت‌های استعاری به کار روند. طرح‌واره‌های تصویری ریشه در درک جسمی شده‌ما دارند و عینی‌اند (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۴۵).

مذهب از حوزه‌های معنایی است که به علت وجود مفاهیم انتزاعی زیادی چون خدا، جهان آخرت، اخلاق و موارد مشابه، مستلزم سازوکارهای شناختی متنوعی جهت انتقال مفهوم و انجام رسالت الهی خود است. سازوکارهایی چون استعاره و مجاز در زبان مذهب به وفور یافت می‌شوند. به عنوان مثال، هرگاه در زبان قرآن گفته می‌شود *اهدنا الصراط المستقیم* (حمد/۶) ما را به راه مستقیم راهنمایی کن، معنی عبارت صراط المستقیم (راه مستقیم)، استعاری و غیر حقیقی است و با استعاره **زندگی سفر است** روبرو هستیم که در آن مشخصات حوزه مبدأ سفر، بر حوزه مقصد زندگی نگاشته می‌شود. در این انطباق، طرح‌واره مسیر (یا همان طرح‌واره مبدأ-راه-هدف) از حوزه مفهومی سفر-که حوزه‌ای به مراتب عینی‌تر از حوزه مفهومی زندگی است- به حوزه زندگی انتقال می‌یابد و باعث درک آن یا ابعاد آن می‌شود.

در این جستار می‌خواهیم به کمک طرح‌واره‌ها که از جمله مبانی زیرساختی استعاره‌ها و سایر سازوکارهای شناختی هستند، مبانی تجربی و در عین حال مبهم و مرزبندی نشده مفاهیم اخلاقی را درک و تحلیل نماییم. بدین منظور، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است: الف- قالب طرح‌واره نیرو که از سوی جانسون (۱۹۸۷: ۴۲) معرفی شده تا چه حد می‌تواند مدل مناسبی برای مطالعه گزاره‌های اخلاقی قرآن باشد؟ ب- عملکرد حالات هفتگانه نیرو در مفهوم‌سازی و درک مفاهیم اخلاقی قرآن چگونه است؟

در بخش دوم مقاله، به ارائه پیشینه مطالعات مرتبط با این پژوهش و سپس در بخش سوم به معرفی طرح‌واره‌های تصویری، و طرح‌واره نیرو و انواع آن پرداخته می‌شود. بخش چهارم مقاله به ارائه داده‌های قرآنی حاوی گزاره‌های اخلاقی و تحلیل آن‌ها بر اساس مدل جانسون و بخش پنجم به نتیجه‌گیری از مباحث مطرح‌شده و پاسخ به پرسشهای پژوهش اختصاص دارد.

۲. پیشینه

بررسی‌های انجام شده گویای آن است که تاکنون در حوزه طرح‌واره نیرو در زبان قرآن به صورت مستقل پژوهشی صورت نگرفته است؛ اهم مطالعات زبان‌شناختی ذیل به شناسایی و کشف استعاره‌های موجود در زبان قرآن پرداخته‌اند و طرح‌واره‌های تصویری گاه در حاشیه مباحث مربوط به استعاره و گاه به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پوراابراهیم (۱۳۸۸) در رساله دکتری به «بررسی زبان‌شناختی استعاره در قرآن: رویکرد نظریه معاصر استعاره (چارچوب

¹ cognitive linguistics

² cognitive semantics

شناختی» می‌پردازد که در آن سه دسته از استعاره‌های قرآنی ساختاری، وجودی و جهت‌ی را بررسی کرده و به طرح‌واره حرکتی نیز اشاره نموده‌است. ذوالفقاری (۱۳۹۵) در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «نظام حاکم بر استعاره‌های مفهومی در حوزه‌ی زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن» به بررسی انواع استعاره‌های مفهومی دنیا و آخرت از حیث قراردادی، نقش، ماهیت و سطح تعمیم پرداخته‌است. وی همچنین به طرح‌واره‌های پرکاربرد در حوزه‌ی زندگی دنیوی و اخروی به صورت اجمالی پرداخته‌است. خسروی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌شان تحت عنوان «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن» به طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی در زبان قرآن به صورت گذرا پرداخته‌اند. هر چند در این پژوهش ذیل طرح‌واره‌ی قدرتی تحلیلی شناختی که مبتنی بر مبانی نظری این طرح‌واره باشد، صورت نگرفته‌است و به صورت سنتی به تجزیه و تحلیل استعاره‌های موجود در آیات پرداخته‌اند. مقیاسی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌شان با عنوان «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه» به آن دسته از طرح‌واره‌های تصویری در نهج البلاغه پرداخته که ماهیت آن‌ها برگرفته از استعاره‌های مفهومی قرآن کریم است. افزون بر پژوهش‌های ذکر شده در بالا، در حوزه‌ی استعاره‌های مفهومی در زبان قرآن نیز پژوهش‌هایی در خارج ایران صورت گرفته‌است؛ از جمله مقاله محمد شکر محمد عبدالمنعم (۲۰۰۶) تحت عنوان «تصور استعاری «زندگی سفر است» در قرآن: یک تحلیل معناشناسی شناختی» به بررسی استعاره «زندگی سفر است» در قرآن بر اساس اصول معنی‌شناسی شناختی پرداخته‌است. رهیافت این پژوهش این است که ایده‌ی زندگی در قرآن به صورت سفر درک می‌شود و این ایده در سرتاسر قرآن به وفور یافت می‌شود. همچنین اویدا (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «درک استعاره‌های زمان و مفاهیم فرهنگی: تحلیل قرآن و ترجمه‌های انگلیسی قرآن» به مقایسه‌ی کاربردهای استعاره‌های زمان در زبان انگلیسی با درک‌های قرآنی آن‌ها در سه ترجمه انگلیسی از قرآن پرداخته‌است. وی به این نتیجه رسیده که استعاره‌ی زمان در قرآن به «مثابه کالایی گرانقیمت نیست» بلکه زمان در قرآن «به مثابه پدیده‌ای ارزشمند است». بنابراین درباره‌ی استعاره در قرآن با رویکردی نوین مطالب ارزنده‌ای به رشته تحریر در آمده‌است؛ اما جنبه‌های مختلف نظریه‌ی استعاره مفهومی که شامل طرح‌واره‌های تصویری نیز می‌باشند، در قرآن به صورت کلی و گذرا مورد مطالعه قرار گرفته، لذا تمرکز این پژوهش به طور خاص روی طرح‌واره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی قرآن در سایه رهیافت‌های نو ضروری می‌نماید.

لازم به ذکر است شیوه انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. لذا به منظور بررسی طرح‌واره نیرو در قرآن، ابتدا کل متن قرآن خوانده شد سپس عبارات زبانی حاوی طرح‌واره نیرو در واحدهای واژگانی و دستوری استخراج و طبقه‌بندی شدند. طبق نظریه استین^۱ در جمع‌آوری داده‌ها در واحد واژگانی انتخاب کلید واژه یا کلیدهای واژه‌های مربوط به هر استعاره اولین گام در این تحقیق بوده‌است. به عنوان مثال برای یافتن آیاتی که حاوی استعاره «زندگی غیر دینی به مثابه انحراف از مسیر مستقیم» بودند، آیاتی که حاوی کلید واژه‌هایی از ریشه ضل، زیغ، فسق، عوج بودند با استناد به فرهنگ لغت‌های مفردات راغب اصفهانی، قاموس قرآن قرشی و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم مصطفوی و تفاسیر معتبری همچون تفسیر نمونه و المیزان استخراج شدند. «این روش هم در تفسیر موضوعی قرآن تأکید شده‌است» (مرادی زنجانی و فشارکی، ۱۳۸۵) و هم در روش شناسایی استعاره در ادبیات استعاره شناختی که تحت

^۱ G. J. steen

عنوان کانون استعاری^۱ از آن نام برده شده است (استین، ۲۰۰۲). سپس نتایج بررسی‌ها، از منظر معنی‌شناسی شناختی به تفکیک طبقه‌بندی جانسون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳. مبانی نظری تحقیق

طرح‌واره‌های تصویری از مفاهیم مهم و زیرساختی مطرح در پژوهش‌های معنی‌شناسان شناختی است. مفهوم طرح‌واره را نخستین بار بارتلت^۲ (۱۹۳۲) - که از پیروان مکتب روان‌شناسی گشتالت بود - به کار برد، در ارائه پاسخ به این پرسش که اطلاعات مربوط به وقایع و رویدادها، چگونه برای کاربردهای بعدی در ذهن ذخیره می‌شوند؟ به نظر او فهم و به یادآوری، عمدتاً در بافت تجربیات پیشین و با اشاره به اطلاعات مرتبط موجود در ذهن، صورت می‌گیرد. وی واژه طرح‌واره را برای ساختار این تجربیات پیشین به کاربرد (یوسفی راد، ۱۳۸۲: ۴۴)؛ اما در معنی‌شناسی شناختی، کاربرد واژه «طرح‌واره»، به این معناست که طرح‌واره‌های تصویری، حاوی مفاهیم تفصیلی و نشانگر جزئیات نیستند، بلکه مفاهیمی کلیشه‌ای هستند که از تجربه‌های بدن‌مند پیدا شده‌اند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۵۸). واژه «تصویر» در اصطلاح طرح‌واره‌های تصویری، با کاربرد آن در روان‌شناسی در اصطلاح «تجربه تصویری» برابر است که بر طبق آن تجربه‌های تصویری هم با تجربه‌های جهان بیرونی ارتباط دارند و هم از آن نشأت می‌گیرند. اصطلاح دیگر برای این تجربه «تجربه حسی» است؛ زیرا از مکانیزم ادراکی حسی ما بر می‌آید و شامل آن می‌شود و فقط محدود به سیستم بصری نیست (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۷۸).

جانسون در تعریف خود از طرح‌واره‌های تصویری می‌گوید: حرکات جسمانی، دستکاری اشیاء و تعاملات ادراکی بشر از الگوهای تکرار شونده و پویایی حاصل می‌شوند که بدون آن‌ها تجارب انسان قابل درک و فهم نخواهد بود. این الگوها که با عنوان طرح‌واره‌های تصویری معرفی می‌شوند ساختاری گشتالتی دارند و از بخش‌هایی تشکیل شده‌اند که در ارتباط با یکدیگرند و به صورت یک واحد سازمان یافته درآمده‌اند. هرچند این ساخت‌ها در آغاز از تعاملات جسمانی پدید می‌آیند، اما می‌توانند به سطوح انتزاعی‌تر معنایی، که همان معنای استعاری است، گسترش یابند (جانسون، ۱۹۸۷: xix). به عبارتی دیگر، «معنا نه فقط از ساختارهای درونی موجود زنده و داده‌های بیرونی شکل می‌گیرد بلکه به واسطه الگوهای تکرار شونده‌ای از برخورد و تعامل موجود زنده و محیط اطراف او ساخته می‌شود» (جانسون و لیکاف، ۲۰۰۳).

ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۱۹۰) و جانسون (۱۹۸۷) انگاره‌های تصویری را بر حسب طبیعت شناختی و مبنای تجربی‌شان به انواع طرح‌واره فضا، طرح‌واره مهارشده‌گی، طرح‌واره حرکتی، طرح‌واره نیرو، طرح‌واره پیوستگی و غیره طبقه‌بندی کردند. از میان طرح‌واره‌های متنوع، جانسون (۱۹۸۷: ۴۲) در نظریه گشتالت‌های مفهومی خود از نیرو به عنوان طرح‌واره‌ای اصلی یاد می‌کند.

طرح‌واره نیرو از مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری است که جانسون (۱۹۸۷: ۴۲) نخستین بار در کتابش با عنوان «بدن در ذهن»^۳ بر نقش آن در مفهوم‌سازی رخدادها تأکید کرد. به عبارتی، نیروها گشتالت‌های مفهومی را می‌سازند که به

^۱ metaphorical focus

^۲ F. Bartlett

^۳ The body in the mind

صورت طرح‌واره‌های تصویری به کار گرفته می‌شوند. از دیدگاه جانسون «قدرت همیشه از طریق تعامل با محیط تجربه می‌شود. هنگامی که نیروی چیزی بر حوزه دریافتی ما اثر می‌گذارد، قدرت آن را درک می‌کنیم. وقتی وارد اتاق تاریک می‌شویم و با لبه میز برخورد می‌کنیم، ویژگی تعاملی قدرت را تجربه می‌کنیم» (۱۹۸۷: ۴۳). پس می‌توان گفت این طرح‌واره از تجربه تعامل با اشیاء اطراف ناشی می‌شود.

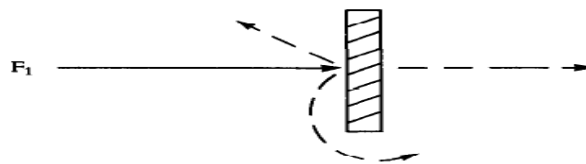
طرح‌واره نیرو، با طرح‌واره مسیر در مفاهیم مبدأ بسیاری از استعاره‌ها تعامل دارند. مثلاً، انسان در زندگی خویش با موقعیت‌های متفاوتی روبرو می‌شود که باید در مسیر معینی حرکت کند تا به هدف و مقصد مورد نظر خویش دست یابد. لذا ممکن است در برابر این حرکت، نیروی مقاومت و سدّی قرار گرفته باشد که ادامه حرکت را ناممکن می‌سازد. انسان در برخورد با چنین سدّی با امکانات متعددی مواجه می‌شود و قدرت خود را در برخورد با این موانع می‌آزماید. لذا انسان طرحی از این برخورد فیزیکی در ذهن خود پدید آورده است که باعث شده بتواند این کیفیت را به پدیده‌هایی که فاقد آن هستند، نسبت دهد. به نظر جانسون (۱۹۸۷: ۴۵) ایجاد مانع در مسیر حرکت برای شخص و یا موضوع مورد حرکت، حالت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند که برای آنها هفت حالت در نظر گرفته است و به هر یک عنوان طرح‌واره‌ای جدا داده است. این طرح‌واره‌ها عبارتند از:

۱- الزام^۱. این طرح‌واره از تجربه قرار گرفتن تحت تأثیر یک نیروی خارجی به دست می‌آید؛ مانند کسی که در جمعیت زیاد با فشار جلو رانده می‌شود یا تحت تأثیر باد شدید، جریان سیل، اشیاء فیزیکی یا افراد قرار می‌گیرد. گاهی این نیرو غیرقابل کنترل می‌شود و گاهی نیز می‌توان آن را تعدیل کرد. در این نوع از اجبار، نیرو از جایی می‌آید و جاذبه‌ای دارد و در مسیری حرکت می‌کند و جهتی دارد. این طرح‌واره را می‌توان به شکل زیر به صورت ساختاری گشتالتی نشان داد. فلش کامل، نشانه بردار نیروی واقعی و فلش گسسته برداری از نیروی بالقوه را نشان می‌دهد (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۵).



شکل (۱) الزام

۲- طرح‌واره مانع یا انسداد^۲. انسان از همان زمان کودکی که یاد می‌گیرد چهار دست و پا راه برود، در طی حرکتش به موانعی در پیرامون خود برخورد می‌کند. این موانع در کل زندگی ما همچنان تکرار می‌شوند و برایمان سدّی ایجاد می‌کنند که واکنش ما در برابر این موانع بسته به قدرت ماست. بدین ترتیب یا در برابر موانع تسلیم می‌شویم و یا مسیر خود را تغییر می‌دهیم و مسیری دیگر را انتخاب می‌کنیم و یا با قدرت آنها را کنار می‌زنیم. این برداشت تجربی ما که از کودکی شکل می‌گیرد، پایه و اساس طرح‌واره مانع یا انسداد را تشکیل می‌دهد (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۵). نمودار گشتالتی معرفی شده توسط جانسون مطابق زیر می‌باشد:

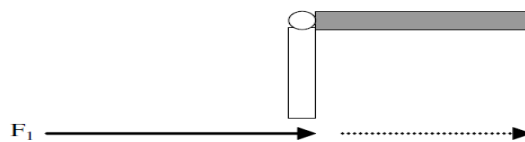


شکل (۲) انسداد

^۱ compulsion

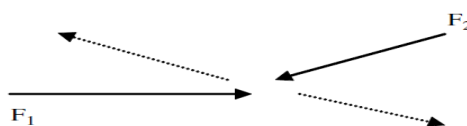
^۲ blockage

۳- طرحواره رفع مانع^۱. رفع مانع یا نبود مانع بالقوه، تجاریبی هستند که ما هر روز با آن روبه‌رو می‌شویم. در این حالت نیرو در مسیر خود به مانعی برخورد می‌کند و توانایی آن را دارد که مانع را کنار بزند و از آن عبور کند؛ مانند زمانی که در باز می‌شود و ما امکان وارد شدن پیدا می‌کنیم. طرح گشتالتی زیر که تحت عنوان $f1$ معرفی شده منبع رفع مانع نیست، بلکه نیرویی است که به کار گرفته می‌شود تا مانع از سر راه برداشته شود (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۶-۴۷).



شکل ۳) رفع مانع

۴- طرحواره انحراف یا تغییر مسیر^۲. این طرحواره زمانی اتفاق می‌افتد که یک بردار نیرو در اثر تعامل سببی میان دو یا چند بردار نیرو تغییر جهت می‌دهد. مانند زمانی که قایقی در حال حرکت بر روی آب می‌باشد و نیروی باد از سمتی خلاف جهت قایق بوزد، در این حالت یا نیروی قایق آنقدر زیاد است که علی‌رغم وجود باد از مسیر خود منحرف نشود و یا توانایی مقابله با آن را نداشته و از مسیر خود منحرف می‌شود. تجربه‌های از این دست که در آن یک نیرو در اثر تعامل باد و یا چند نیروی دیگر تغییر مسیر می‌دهد، اساس طرحواره تغییر مسیر یا انحراف می‌باشد (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۷-۴۶).



شکل ۴) انحراف

۵- طرحواره نیروی متقابل^۳. این طرحواره از تجربه برخورد دو نیروی یکسان که رو در روی هم قرار می‌گیرند و هیچ یک نمی‌تواند دیگری را از صحنه بیرون کند، به دست می‌آید. مانند زمانی که انسان از یک حادثه ناگوار جان سالم به در می‌برد، تقابل دو نیروی یکسان سبب نجات او شده است (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۶-۴۷). بدین ترتیب، انسان از تجربه چنین اموری امکان می‌یابد که مفاهیم مختلف انتزاعی را در ذهن خود، بوسیله طرحواره نیروی متقابل معنی‌دار کند. شکل ذیل برآیندی از برخورد دو نیروی یکسان $f1$ $f2$ را نشان می‌دهد.



شکل ۵) نیروی متقابل

۶- طرحواره توانایی^۴. اگر انسان بر فعالیت‌های انجام گرفته‌اش تمرکز کند، احساسی از نیرو یا کمبود آن را در خود درک می‌کند؛ مثلاً او می‌تواند نوزادش را بلند کند و در آغوش بگیرد؛ اما نمی‌تواند ماشین را بلند کند. این توانایی هر چند یک باور ذهنی است، به اعتقاد جانسون بردار بالقوه‌ای از نیرو را تشکیل می‌دهد که او آن را طرحواره توانایی

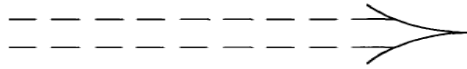
¹ removal of restraint

² diversion

³ counterforce

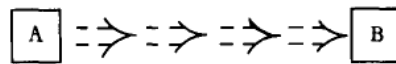
⁴ enablement

می‌نامد. این بردار بالقوه نیرو در صورت نبود هیچ‌گونه مانع، توانایی جابجایی اشیاء را به ما می‌دهد. جانسون طرح گشتالتی زیر را برای معرفی این طرح‌واره ارائه می‌دهد (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۷-۴۶).



شکل ۶) توانایی

۷- طرح‌واره کشش یا جذب^۱. این طرح‌واره از تجربه انسان در جذب یک شیء به سمت شیء دیگر تحت تأثیر نیروی وارد شده به آن پدید می‌آید. ملموس‌ترین مثال برای این طرح‌واره، جذب براده‌های آهن توسط آهن‌ربا، یا کشش گرد و غبار و زباله‌ها بوسیله جاروبرقی است (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۷). این طرح‌واره همانند طرح‌واره‌های دیگر قابلیت انتقال بر قلمروهای انتزاعی را دارد. طرح گشتالتی ذیل نحوه شکل‌گیری این طرح‌واره را نشان می‌دهد.



شکل ۷) طرح‌واره جذب

۴. طرح‌واره نیرو در گزاره‌های اخلاقی قرآن

در زبان قرآن طرح‌واره نیرو پیامدهای بسیاری برای درک استعاره کلان سفر و استعاره‌های اخلاقی قرآن به دنبال دارد. طرح‌واره نیرو به همراه طرح‌واره مسیر، در زیرساخت استعاره ساختاری- حرکتی **زندگی سفر است** قرار دارد؛ در این استعاره سفر حوزه مبدایی است که مفهوم انتزاعی زندگی به واسطه آن در ذهن انگیزه می‌شود. مفاهیم حوزه سفر مثل راه، مسافر، مقصد، راهنما و غیره، بر حوزه مقصد زندگی نگاشته و باعث درک استعاری زندگی می‌شوند و بدین ترتیب انسان‌ها در این دنیا به مثابه مسافرانی مفهوم‌سازی می‌شوند که بر اساس قدرت اختیار و توانایی خود یکی از راه‌های خوب یا بد را انتخاب می‌کنند و در طول زندگی خود این مسیر را به وسیله راهنمایان ادامه می‌دهند تا به هدف و مقصود نهایی خود دست یابند. در این مسیر ممکن است به موانعی برخورد کنند و با توجه به میزان قدرت معنوی خود این موانع را کنار می‌زنند یا مغلوب می‌شوند. نگاشت استعاری **زندگی سفر است** از نگاه قرآن حاوی ساختاری دو شقی است: زندگی اخلاقی خوب/ زندگی غیر اخلاقی و بد، مسافران راه خدا/ کافران یا مسافران راه غیر خدا، راه خدا/ راه شیطان است (شکر محمد عبدالمنعم، ۲۰۰۶).

به اعتقاد نگارندگان و همسو با یافته‌های شکر محمد عبدالمنعم (۲۰۰۶) در این نظام دوشقی در زبان دین و قرآن، دو راه و دو مسیر وجود دارد که دو نیروی متفاوت با ابزارها یا گزاره‌های متفاوت، مسافر راه زندگی را به سوی راه‌های دوگانه فرا می‌خوانند: دستورالعمل‌های دینی و دستورالعمل‌های شیطانی. در این نظام، استعاره **زندگی به مثابه سفر**، انسجام کل متن قرآن را تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که کل معانی این متن دینی تابعی از این استعاره‌اند که خود تابعی از پیام قرآن در تکامل بشر است.

۴-۱ طرح‌واره الزام.

^۱ attraction

لانگاکر (۲۰۰۸: ۵۶-۵۷) معتقد است که طرحواره می‌تواند در مقولات واژگانی و دستوری وجود داشته باشد. مثلاً در مورد فعل‌های امر زبان انگلیسی نشان داده شده است که این افعال دارای محتوای طرحواره نیرو است (تاکاهاشی، ۲۰۱۲: ۴). به نظر می‌رسد طرحواره الزام بیشتر از طریق ساختار گرامری افعال به دو صورت امر و نهی در زبان قرآن نمایانده می‌شود. این امر مؤید دیدگاه تالمی (۱۹۸۸) است که بخش اعظم درک ما از افعال مبتنی بر نیروهایی است که در کنش‌های آن افعال وجود دارد.

محتوای افعال امر و نهی در زبان قرآن دوم شخص بودن (جمع یا مفرد)، فاعل بودن، غیر گذشته بودن، فرضی بودن^۱ و اعمال نیرو با درجات مختلف است. در واقع می‌توان گفت که گزاره‌های دینی اخلاقی قرآن که تعداد آنها به دلیل رسالت قرآن زیاد است، جمله‌هایی است که با گوینده (خداوند کریم) به عنوان مسبب کنشگر^۲، درجه‌ای از نیرو را بر مخاطب اعمال می‌کند و احتمالاً باعث می‌شود مخاطب به عنوان مسبب کنشگر^۳، عملی را انجام دهد یا ندهد.^۴ نگاهی تحلیلی به گزاره‌های اخلاقی در قرآن نشان می‌دهد که بسیاری از دستورالعمل‌های قرآنی بر قاعده الزام که عنصری اساسی در نظام اخلاقی قرآن است، استوار است. به عبارتی «قرآن کریم در راستای بازشناسی مجموعه‌ای از بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی، گزاره‌هایی را ارائه کرده است، که نهاد چنین گزاره‌هایی معمولاً دربردارنده نوعی عمل است که در آن الزام وجود دارد.» (دراز، ۱۴۰۸ق: ۲۱). بدین ترتیب دستور العمل‌های قرآنی که در قالب باید، نباید، وظیفه، واجب، حرام و در صیغه‌های امر و نهی در فعل ظاهر می‌شوند دارای همین طرحواره الزام می‌باشند و چون تعداد آنها بسیار زیاد است به چند شاهد ذیل بسنده می‌شود:

- ۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/۲۱). ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید.
 - ۲- وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ (مائده/ ۲). و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید.
 - ۳- وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ (یونس/ ۱۰۶). و به جای خدا چیزی را که سود و زبانی به تو نمی‌رساند مخوان که اگر چنین کنی در آن صورت قطعاً از جمله ستمکارانی.
- گاه بجای فعل امر، فعل مجهول با نقش امری، طرحواره نیرویی الزام را منعکس می‌کند. اینگونه افعال نیز دارای محتوای یکسانی با افعال امری هستند. فعل کُتِبَ با معنای لفظی (نوشته شد) و معنای استعاری (واجب شد) همین طرحواره را منعکس می‌کند:
- ۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/۱۸۳). ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده‌است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید.

¹ hypotheticality

² causer-agent

³ cause-agent

^۴ گفتنی است صیغه امر و نهی افعال قرآنی، قابلیت انطباق با must در زبان انگلیسی و «باید» در زبان فارسی دارد. به اعتقاد جانسون (۱۹۸۷: ۵۳) زیربنای

اصلی معنای این افعال برگرفته از نیرو می‌باشد که ریشه در تجارب جسمانی ما دارد

در مورد داده‌های فوق می‌بایست چنین توضیح داد که این ساختار دستوری امری است که حاوی استعاره است و نه ساختار واژگانی. بنابراین، توپولوژی شناختی موجود در مشخصه دستوری امر (که حاوی مفهوم نیرو است) به کل گزاره بازتابانده می‌شود.

اما در شاهد (۴)، سازوکار شناختی دیگری نیز رخ داده است. در تفسیر علما، در باب این معنای نوشتن می‌خوانیم که «کتب که از ماده کتابت که معنی نوشتن است، در بسیاری از موارد کنایه از الزام و ایجاب و تعهد می‌باشد، زیرا یکی از آثار نوشتن مسلم شدن و ثابت ماندن چیزی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۵: ۲۵۶) و کتابت کنایه است از واجب بودن و واجب کردن (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۰۰-۱۰۱). به عبارتی، در اینجا با استعاره واجب کردن به مثابه نوشتن (قانون) روبرویم که در آن الزام به عنوان یک حوزه مقصد انتزاعی با کمک حوزه عینی کتابت یا نوشتن مفهوم‌سازی شده است. مبنای شکل‌گیری این نگاشت استعاری تجربه‌های فرهنگی است.

۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (نساء / ۲۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید.

در شاهد (۵) نیز، علاوه بر طرح‌واره نیروی الزام که از طریق ساخت دستوری فعل (لَا تَأْكُلُوا) منتقل می‌شود، با استعاره **مسلط شدن به مثابه خوردن** روبروئیم. کلمه اکل در لغت به معنای (خوردن) و فروبردن مواد غذایی از راه دهان و گلو به داخل شکم است. در عمل خوردن معنای تسلط و انفاذ نهفته است، لذا به این اعتبار در مواردی که تسلط و انفاذ در کار باشد کلمه اکل (خوردن) نیز استعمال می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۰).

۴-۲ **طرح‌واره انسداد**. همراه با طرح‌واره نیروی الزام که از طریق ساخت دستوری افعال امری نمایش داده می‌شود، گونه‌های دیگری از طرح‌واره نیرو هستند که در واژگان و مجموعه واژگان استعاری قرآن حضور دارند. لذا لازم است نگاشت‌های استعاری نیز تبیین شود. از جمله این طرح‌واره‌ها طرح‌واره انسداد است که با طرح‌واره مسیر همراه است و انسداد مستلزم بستن راه و مسیر حرکت است.

در زبان قرآن کلان استعاره **سفر** نقش مهمی را ایفا می‌کند (پورا بر اهیم، ۱۳۸۸: ۱۶۶). این مقاله نشان می‌دهد که استعاره عام **دستور العمل (قانون) به مثابه نیرو**، در زیرساخت این استعاره در زبان قرآن نقش مهمی را ایفا می‌کند. به این صورت که در استعاره سفر دو طرح‌واره مسیر و نیرو وجود دارند. طرح‌واره مسیر جزء لاینفک حوزه مبدأ سفر است که بر حوزه زندگی نگاشته می‌شود. اما طرح‌واره نیرو در برخی مولفه‌های سفر در نگاشت‌های جزئی‌تر دیده می‌شود. در عبارت استعاری **اهدنا الصراط المستقیم**، طرح‌واره مسیر در واژه **صراط** وجود دارد و طرح‌واره نیرو در واژه **اهدنا**. و استعاره **زندگی دینی به مثابه سفر در راه مستقیم**. در سفر در راه مستقیم، موانعی وجود دارد که عکس‌العمل مسافران در برخورد با این موانع متفاوت است. در پیمودن مسیر هدایت، موانع موجود در این مسیر با طرح‌واره انسداد نمایش داده شده است. انسداد در تجربه بشر توسط یک شیء صورت می‌گیرد و در زبان قرآن توسط مفاهیم انتزاعی. در واقع، در زبان قرآن با مادی‌سازی مفاهیم انتزاعی کفر، ظلم، تکبر، ریا، دنیاپرستی، علاقه افراطی به مال و فرزند، شیطان و... به صورت سد و مانع مواجهیم. موانعی که می‌توانند از پیش رو به انسان نیرو وارد کرده و موانع پیشروی وی در مسیر حق شوند. هرچند این موانع در سراسر قرآن آمده است اما عبارات استعاری مثل **صد** (گاهی به معنای انصراف از چیزی و امتناع از آن است و گاهی به معنای منصرف کردن و منع کردن از آن است) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۷) نمایش

استعاره‌ی این مفاهیم هستند. عبارت استعاره‌ی *سبیل الله* که نمود استعاره‌ی **زندگی به مثابه سفر** است در زبان قرآن بسیار به کار رفته است. گاه افزودن عبارت «صد» به این عبارت، طرحواره‌ی نیرویی انسداد را نمایش می‌دهد. به عبارتی سد کردن راه خدا حاوی طرحواره‌ی تصویری انسداد است:

۶- *إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (انفال/۳۶)*. بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند.

۷- *وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (همان/۴۷)*. و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند و خدا به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

۸- *الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا (ابراهیم/۳)* همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند.

در آیات فوق، کافران و کردار آنها به مثابه سد راه خدا مفهوم‌سازی شده‌اند. شواهد دیگر طرحواره‌ی انسداد در ذیل مشاهده می‌شود.

۹- *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (توبه/۳۴)*. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند.

۱۰- *الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (اعراف/۴۵)*. همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌خواهند و آنها آخرت را منکرند.

۱۱- *وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ (زخرف/۳۷)*. و مسلماً آنها ایشان را از راه باز می‌دارند و [آنها] می‌پندارند که راه یافتگانند.

بر اساس چنین آیاتی می‌توان دریافت که مفاهیم انتزاعی همچون کفر، ظلم، تکبر و... به مثابه موانع فیزیکی هستند که مسافران در این دنیا در مسیر زندگیشان با آنها برخورد می‌کنند. در چنین شرایطی قرآن، عملکرد مسافران را با توجه به قدرت معنویشان در برخورد با موانع، متغیر می‌داند. برداشتن مانع، انحراف و تغییر مسیر از جمله حالت‌هایی است که نوع واکنش مسافران را در طول مسیر نشان می‌دهد.

۴-۳ **طرحواره‌ی رفع مانع**. طرحواره‌ی قدرتی، به لحاظ استعاره‌ی، بیش‌تر، قلمرو انتزاعی «علت‌ها» را ساختار بندی می‌کند (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). لذا با توجه به استعاره‌ی عام علت‌ها نیروها هستند^۱، و با بررسی برخی آیات قرآنی به نظر می‌رسد در زبان قرآن نیز طرحواره‌ی رفع مانع عمدتاً از طریق نظام ساخت‌های سببی^۲ قابل تبیین است.

از دیدگاه شناختی مفهوم سببی‌سازی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم ذهنی بشر تلقی می‌گردد که در شکل‌دهی تجربیات انسان نقش مهمی ایفا می‌نماید. به عقیده‌ی لانگا کر اصطلاح سببی‌سازی به ساختاری اطلاق می‌شود که جهت رمزگذاری انرژی یا نیرویی به کار می‌رود که سبب بروز رویدادی می‌شود (گلفام و بهرامی خورشید، ۱۳۸۶ به نقل از لانگا کر، ۱۹۹۱:

^۱ Causes are Forces

^۲ Causative Constructions

۴۰۸). به باور تالمی مفاهیم نیرو-پویایی در مقولهٔ زبان و زبان‌شناسی نمود و بروز قابل توجهی دارند که بدیهی‌ترین مصداق آن در ساختار مفهومی جملات سببی می‌باشد (دستلان و ابراهیمی، ۱۳۹۴ به نقل از تالمی، ۲۰۰۰: ۴۰۹).
 هنجارهای اخلاقی در زبان قرآن مفاهیمی هستند که به مدد ساخت‌های سببی منعکس و توسط مخاطب درک می‌شوند. از دیدگاه قرآن کریم عمل به دستورات الهی سبب‌ساز (منع انرژی) است که موانع پیش رو را برداشته و راه را برای دستیابی به سعادت هموار می‌کند. در این حالت، عامل رفع موانع که در مفاهیم انتزاعی همچون ایمان، تقوی، جهاد و مفاهیمی نظیر آن وجود دارد، به صورت استعاری و بر حسب نیروی فیزیکی و از طریق استعارهٔ پایه «علت نیرو است» مفهوم‌سازی می‌شوند. شواهدی از این طرح‌واره در ذیل آمده است:

۱۲- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (صف/ ۱۲-۱۱). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند راه نمایم؟ به خدا و رسولش ایمانی راستین می‌آورید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد می‌کنید. این ایمان و جهاد - اگر بدانید - برای شما بهتر است. اگر ایمان بیاورید و جهاد کنید، خدا گناهانتان را بر شما می‌بخشاید و شما را در بوستان‌های پردرخت که از زیر آنها نهرها روان است و در خانه‌هایی خوش که در باغ‌های بهشت جاودان است درمی‌آورد. این است سعادت بزرگ.

۱۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوا (مائده/ ۳۵). ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

۱۴- الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/ ۱۸). آنان که به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدا ایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

۱۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (انفال/ ۲۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمرزد و خدا دارای بخشش بزرگ است.

در شاهد (۱۲) فعل تنجیکم (رهاکردن) مستلزم کاربرد نیرویی است که این نیرو توسط مفاهیم انتزاعی «ایمان و جهاد در راه خدا» اعمال می‌شود. لذا حوزه‌های مقصد «ایمان و جهاد در راه خدا» به مثابهٔ نیروی محرک (سبب‌ساز) هستند که رهایی از عذاب (سبب‌پذیر) حاصل این نیرو می‌باشد. افزون بر این در این آیه قلمروی مبدأی دیگری که مفاهیم ایمان و جهاد در راه خدا بوسیلهٔ آن مفهوم‌سازی شده‌اند، تجارت می‌باشد.

در شواهد (۱۳-۱۴-۱۵) مفاهیم اخلاقی و دینی تقوی (اتقوا)، جهاد (جاهدوا فی سبیله)، فرمانبرداری (یستمعون القول) به مثابهٔ نیرویی مفهوم‌سازی شده‌اند که موانع سعادت و رستگاری را برطرف می‌کنند.

بدین ترتیب بنابر تحلیل شناختی مفاهیمی که تحت عنوان فضیلت‌های اخلاقی معرفی شده‌اند، قابلیت تطبیق با طرح‌واره رفع مانع را دارند؛ چرا که به مثابهٔ نیرویی هستند که موانع را از مسیر بندگی برداشته و راه رسیدن به رستگاری را مهیا می‌کنند.

۴-۴ **طرحوارهٔ انحراف از مسیر**. بر اساس آیات قرآنی، طرحوارهٔ انحراف از مسیر در عبارات استعاری که به صورت واحدهای واژگانی همچون ضلالت، فسق، زیغ، صغو، عوج و افک آمده است. ضلال «به هرگونه انحراف از راه گفته می‌شود چه به صورت عمدی باشد و چه سهوی، کم باشد یا زیاد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۰۹). کلمه فسق در قرآن نیز به معنای «خروج از مقررات دینی یا عقلی یا طبیعی لازم» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۹۷/۹). و در اصطلاح، «خروج از زی بندگی را گویند» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۱۳). کلمه «عوج» اسم مصدر است و در آیات قرآنی جز آیهٔ (طه/۱۰۷)، دربارهٔ انحراف و کجی معنوی به کار رفته است. عدم عوج عبارت دیگری از حق بودن است (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۶۵-۶۴). زیغ در اصطلاح، به معنای انحراف و تمایل از پایداری است و *تزیغ*، تمایل و انحراف دو جانبه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۷). *صَغَت* از مادهٔ *صغو* به معنای متمایل شدن به چیزی است. لذا *صَغَتُ قُلُوبِكُمْ* به معنای انحراف دل‌های آنها از حق، به سوی گناه بوده است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۹۷/۶). *افک* در اصل به معنای هر چیزی است که از جهت اصلیش منحرف شود (راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۹).

در حوزهٔ مبدأ سفر -مربوط به کلان استعاره زندگی سفر است- طرحوارهٔ مسیر^۱ وجود دارد. طرحوارهٔ انحراف از مسیر مشترکاً به این طرحواره و طرحوارهٔ نیرو و تعلق دارد. از نگاه قرآن فرمانبرداری از خدا و رسولش به مثابه راهی مستقیم است که به آن توصیه شده است: *أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ* (انعام/۱۵۳) *این است راه راست من پس از آن پیروی کنید*. در مقابل راه مستقیم، راه‌های زیادی وجود دارد که قرآن از آن به راه‌های انحرافی تعبیر کرده است. این طرحواره که در دل حوزهٔ سفر قرار دارد، ساختار کلی خود را بر حوزه یا حوزه‌های مقصدی که در این استعاره و زیرنگاشت‌های آن می‌آید منعکس می‌کند. به عنوان مثال، در استعارهٔ زندگی دینی به مثابه حرکت در مسیر مستقیم و شق منفی آن زندگی غیر دینی به مثابه انحراف از مسیر مستقیم، زیراستعاره‌های کفر به مثابه انحراف از مسیر مستقیم، نافرمانی از خداوند به مثابه انحراف از مسیر مستقیم، دنیاطلبی به مثابه انحراف از مسیر مستقیم و موارد مشابه دیگر وجود دارد. طرحوارهٔ انحراف از مسیر در حوزهٔ مبدأ به حوزه‌های مقصد فرافکن می‌شود و مخاطب با کمک این طرحواره تصویر کلی انحراف را در این مفاهیم درک می‌کند. آیات ذیل نمایش‌دهندهٔ این استعاره‌ها و نگاشته و طرحوارهٔ انحراف از مسیر است. کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده عبارات استعاری حاوی این نگاشت‌ها هستند:

۱۶- *وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا* (نساء/۱۳۶). و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است.

۱۷- *وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا* (احزاب/۳۶). و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.

۱۸- *إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا* (تحریم/۴). اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بهتر است] واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است.

۱۹- *الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ* (ابراهیم/۳). همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند آنانند که در گمراهی دور و درازی هستند.

^۱ PATH schema

۲۰- فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ (آل عمران/۷). اما کسانی که در دل‌هایشان

انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند.

۲۱- قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (توبه/۳۰). خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوند.

۲۲- فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ (کهف/۵۰). و از فرمان پروردگارش سرپیچید.

به موازت همین بحث که با این طرح‌واره همسو می‌باشد، بحث تغییر مثبت و منفی درونی و نفسانی انسان در قرآن می‌باشد. انسان به عنوان موجودی آزاد و انتخابگر می‌تواند یکی از دو مسیر حق و باطل را انتخاب کند و به مسیر خود در طول زندگی ادامه دهد. لیکن گاهی در میانه مسیر با توجه به عوامل درونی و محیطی، عقیده و اندیشه‌اش تغییر می‌کند و این دگرگونی می‌تواند به دو شکل مثبت و منفی رخ دهد. توبه که در لغت به معنای رجوع و بازگشت است (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۵۷). به تعبیر شهید مطهری «یک نوع تغییر مسیری است که مخصوص خود انسان است» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴). این تغییر زمانی حاصل می‌شود که انسان در اثر تعامل با بردار نیروهای (کفر، شرک، ریا و نظیر آن‌ها) از راه مستقیم انحراف یافته لذا در وسط راه نیروی درونی توبه به یاری انسان می‌آید و او را از مسیر خطا و انحراف بازگردانده و در مسیر مستقیم الهی قرار می‌دهد. بنابراین استعاره مفهومی «توبه به مثابه بازگشت به مسیر مستقیم الهی است»:

۲۳- ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (هود/۳). سپس به درگاه او توبه کنید [تا اینکه] شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد.

۲۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا (تحریم/۸). ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید.

نوع دیگری از تغییر که انسان در درون خود ایجاد می‌کند، جنبه منفی و ارتجاعی دارد. ارتداد که در لغت به معنای بازگشت و در اصطلاح، بازگشت از دین حق و اسلام به سوی کفر و شرک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۹). نوعی تغییر منفی که در تعامل با نیروی هوای نفس برای انسان بوجود می‌آید. بدین ترتیب «ارتداد به مثابه بازگشت به مسیر انحرافی است»:

۲۵- إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ (محمد/۲۵). بی‌گمان کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت.

۲۶- وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ قِيمَتُهُ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (بقره/۲۱۷). و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود.

از سوی دیگر از آنجایی که هر «تغییر حرکت است»^۱ توبه حرکتی روبه جلو و پیشرفت می‌باشد و ارتداد حرکتی به سمت عقب دارد.

^۱ Changes are movements

۴-۵ **طرحواره نیروی متقابل.** یکی از انگاره‌های مطرح در حوزه مفاهیم ذهنی قرآن، تقابل میان نیروی حق و باطل است که بارها از آن سخن به میان آمده است. از برجسته‌ترین آیاتی که خداوند از طریق تمثیل زیبا مفهوم ذهنی تقابل میان حق و باطل را مفهوم سازی می‌کند، آیه ۱۷ سوره رعد می‌باشد:

۲۷- أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعِ زِبَدٍ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأُمْتَالَ (رعد/۱۷).
همو که از آسمان آبی فرو فرستاد پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند و سیل کفی بلند روی خود برداشت و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی در آتش می‌گذازند هم نظیر آن کفی برمی‌آید خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند اما کف بیرون افتاده از میان می‌رود ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند خداوند مثلها را چنین می‌زند.

بر اساس نظام استعاری این آیه، مفهوم ذهنی تقابل میان نیروی حق و باطل به عنوان حوزه مقصد با مفهوم عینی برخورد میان آب یا فلزات با کف روی آنها، متناظر است. همان‌گونه که کف‌ها در هر مایعی به شکل مناسب خود آشکار می‌شوند، هر جا که نیروی حق حضور داشته باشد، نیروی باطل نیز ظاهر می‌گردد و در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. به دنبال این تقابل کف که به مثابه باطل است از بین می‌رود و حق که به مثابه آنچه به مردم سود می‌رساند، باقی می‌ماند. لذا طبق گفتمان قرآنی نتیجه این تقابل‌ها همیشه پیروزی حق بر باطل است: بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ (انبیاء/۱۸). بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم پس آن را در هم می‌شکند و بناگاه آن نابود می‌گردد. بنابراین نتیجه این تقابل در قرآن با آن تعریفی که جانسون از نتیجه این طرحواره ارائه داده است (هیچ یک از نیروها نمی‌تواند دیگری را از صحنه بیرون کند) قابل انطباق نیست.

۴-۶ **طرحواره کشش یا جذب.** مفهوم انتزاعی عشق به خداوند در قالب طرحواره جذب قرار می‌گیرد. هر چند در قرآن واژه جذب به صورت صریح بیان نشده بلکه از معانی برخی واژگان به مفهوم کشش پی خواهیم برد. آیات ذیل نمونه‌ای عینی از طرحواره کشش به سمت خدا می‌باشد:

۲۸- وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (شرح/۸). و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور.
۲۹- إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ (قلم/۳۲). امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد زیرا ما به پروردگاران مشتاقیم.

۳۰- إِنَّا إِلَىٰ اللَّهِ رَاغِبُونَ (توبه/۵۹). و ما به سوی خدا مایلیم.
در آیات فوق واژه «رغب» در لغت به معنای میل خاص نفسانی (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۰۳)، میل اکید (مصطفوی، ج ۴: ۱۳۸۵، ۱۷۶) و کشش داشتن چیزی (انطون الیاس، ۱۳۷۰: ۲۵۵) آمده است. حرف جر «إلی» که از حروف اضافه مکانی است و معنای نقطه پایان را می‌رساند، همراه با واژه رغب مفهوم توجه و میل خاص به سوی خداوند را می‌رساند. لذا با توجه به معنای واژگان ذکر شده می‌توان گفت که محبت خداوند به نوعی نیروی مغناطیسی است که بندگان خاص را به سمت خود می‌کشاند.

افزون بر این، واژه حُب در آیه ذیل به نوعی مفهوم جذب را می‌رساند.
۳۱- وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات/۷). لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست.

«تزیین ایمان در دل‌های مؤمنان به خدا نسبت داده شده است. محبوب کردن ایمان در دل مؤمنین به این معنا است که خدای تعالی ایمان را به زیوری آراسته که دل‌های شما را به سوی خود جذب می‌کند، به طوری که دل‌های شما به آسانی دست از آن بر نمی‌دارد، و از آن رو به سوی چیزهای دیگر نمی‌کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۶۷).

۴-۷ طرح‌واره توانایی. از جمله مفاهیم انتزاعی که از نگاه قرآن در این طرح‌واره جای می‌گیرد، توانایی ذهنی انسان (تفکر، تدبیر و آگاهی) و هدایت‌پذیری است که توسط دو حس بینایی یا شنوایی به عنوان حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی می‌شوند. به عقیده شناختیان ما از طریق چشم‌ها، گوش‌ها و قلب‌هایمان دانش و اطلاعات را کسب می‌کنیم. این اعضای بدن به صورت مجازی جای افراد به کار می‌روند. به عبارتی اعضای بدن مثل چشم و گوش و قلب به مثابه شخصند. این مجاز و نیز استعاره عمومی «ذهن جسم است» نظامی می‌سازد که در آن مفاهیم زیادی از طریق انطباق نقش اعضای بدن بر روی حوزه‌های انتزاعی منتقل می‌شوند (پور ابراهیم، ۱۳۸۸: ۱۸۲ به نقل از یو، ۲۰۰۳: ۱۴۲).

آیات ذیل نمونه‌ای از این طرح‌واره را نشان می‌دهد:

۴۱- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (انعام/۱۱). بگو در زمین بگردید آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

۴۲- أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نمل/۸۶). آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیاسایند و روز را روشنی بخش [گردانیدیم] قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند مایه‌های عبرت است.

۴۳- بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (قیامت/۱۴). بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است.

۴۴- إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (آل عمران/۱۳). یقیناً در این [ماجرای] صاحبان بینش عبرتی است.

۴۵- الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (کهف/۱۰۱). [به] همان کسانی که چشمان [بصیرت]شان از یاد من در پرده بود و توانایی شنیدن [حق] نداشتند.

۴۶- مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (هود/۲۴). مثل این دو گروه چون نابینا و کر [در مقایسه] با بینا و شنواست آیا در مثل یکسانند پس آیا پند نمی‌گیرید.

۴۷- إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْكَلِمَاتِ لَمَّا تَدْعَاهُ إِذَا وَقَفُوا مُدْبِرِينَ (نمل/۸۰) البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی و این ندا را به کران چون پشت بگرداند نمی‌توانی بشنوانی.

در شاهد‌های (۴۱-۴۴) توانایی دانستن و آگاهی به عنوان حوزه مقصد از طریق فعل /نظروا/ نگاه کنید و لم یروا/ ندیدید و بصیرت: بینایی به عنوان حوزه مبدأ قابل درک می‌باشد. بدین ترتیب دیدن متناظر است با توانایی آگاهی و درک.

همچنین در شاهد‌های (۴۵-۴۶) راه یافتن به هدایت و مسیر مستقیم از طریق بینایی و شنوایی مفهوم‌سازی شده است؛ به عبارت دیگر هدایت یافتن دیدن و شنیدن است و هدایت نیافتن لال بودن و کر بودن است.

در شاهد آخر حال کافران در عدم هدایت‌پذیری به سان مردگانی است که صدایی را نمی‌شنوند. در این آیه «کری» متناظر است با ناتوانی در درک هدایت.

علاوه بر طرح‌واره‌های هفت‌گانه فوق که جانسون معرفی کرده، طرح‌واره مقاومت نیز زیرمجموعه‌ای از طرح‌واره نیرو است که برای تکمیل بحث به آن می‌پردازیم.

۴-۸ **طرحواره مقاومت**^۱. این طرحواره از تجربه انسان در مقاومت یک شیء در مقابل شیء دیگر تحت تأثیر نیروی وارد شده به آن پدید می‌آید؛ مانند مقاومت یک کنده درخت در مقابل جریان سیل یا یک ساختمان در برابر زلزله (روشن و دیگران، ۱۳۹۲). این طرحواره نیز قابل انتقال به موارد انتزاعی می‌باشد.

یکی از راهکارهایی که قرآن برای رویارویی با موانع توصیه می‌کند، مقاومت و پایداری است. نگاشت استعاری مقاومت که در قرآن در فعل‌هایی همچون *تصبروا*، و *استقاموا* بیان شده به نوعی برخورد انسان با موانع راه بندگی و اطاعت و گذشتن از آن را نشان می‌دهد. آیات ذیل بیانگر طرحواره مقاومت می‌باشند:

۴۷- *إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا* (فصلت/۳۰). در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند.

۴۸- *فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا* (هود/۱۱۲). پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید.

۴۹- *وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا* (جن/۱۶). و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم.

۵۰- *وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ* (آل عمران/۱۸۶). اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست.

۵. نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حالات هفت‌گانه نیروی ارائه شده از سوی جانسون مدل بسیار مناسبی برای درک استعاره کلان سفر و استعاره‌های اخلاقی قرآن می‌باشد. بر اساس این مدل شناختی عملکرد حالات هفت‌گانه نیرو (اجبار، مانع، رفع مانع، تغییر مسیر و یا انحراف، نیروی متقابل، جذب و کشش و توانایی) در زبان قرآن مصادیق متعدد دارد و ابعاد متنوعی از مفاهیم دینی و اخلاقی را در بر گرفته است. بنابراین طرحواره الزام به مثابه نیرویی الزام‌آور به انجام یا ترک عمل تحقق می‌یابد که در تشویق مخاطب به انجام تکالیف نقش مهمی ایفا می‌کند. طرحواره انسداد در زبان قرآن توسط مفاهیم انتزاعی *ردایل* نمایش داده شده و در عبارات استعاری «صد» تجلی می‌یابد و در ترک محرمات اخلاقی تأثیر عمده‌ای دارد. طرحواره رفع مانع نقش هنجارهای اخلاقی را به‌عنوان علت (منبع نیرو) در رفع موانع پیش روی هدایت، پرننگ می‌کند و راه هدایت را پیش پای مخاطبان هموارتر می‌سازد. عوامل رفع موانع نیز بر حسب نیروی فیزیکی و از طریق استعاره پایه «علت نیرو است» مفهوم‌سازی می‌شوند. طرحواره انحراف از مسیر در عبارات استعاری همچون *ضلالت*، *فسق*، *زیغ*، *صغو*، *عوج* و *افک* دیده می‌شود که در تعریف اسباب و زمینه‌های انحراف و هلاکت انسان ایفای نقش می‌کند و مخاطب را نسبت به این عوامل هشیار می‌گرداند و بر اساس آن، زندگی دینی به مثابه حرکت در مسیر مستقیم و شق منفی آن زندگی غیر دینی به مثابه انحراف از مسیر مستقیم است. مفاهیم انتزاعی توبه به مثابه «بازگشت به مسیر مستقیم الهی است» و ارتداد به مثابه «بازگشت به مسیر انحرافی» طرحواره تغییر مسیر را برمی‌انگیزد. طرحواره نیروی متقابل در زبان قرآن بیشتر بر اساس تقابل بین دو نیروی حق و باطل آمده است و در آیات متعدد به اشکال گوناگون شکل گرفته است. طرحواره جذب و کشش به صورت غیر صریح در عبارات استعاری «رغب و حب» به معنای

¹ resistance

میل و کشش همراه با حرف نشانگر «الی» بیان شده است و حوزه چشم و گوش به عنوان حوزه‌های مبدأ به طور خاص در درک استعاری توانایی ذهنی انسان (تفکر، تدبر و آگاهی) و هدایت‌پذیری‌اش نقش آفرینی می‌کنند. لذا مدل مذکور می‌تواند به درک بهتر مفاهیم دینی و اخلاقی قرآنی کمک کند و در جهت راهنمایی انسان تأثیرگذار باشد؛ به طوری که مثلاً طرح‌واره مقاومت مشوق انسان به مقاومت در برابر عوامل هلاکت‌زاست و طرح‌واره کشش و جذب نمایانگر عشق الهی و لزوم آگاهی انسان از جذبه و محبت خداوند به بندگان است.

کتابنامه

- انطون الیاس، الیاس. (۱۳۷۰). فرهنگ نوین، ترجمه: سید مصطفی طباطبایی، چاپ هشتم، تهران: نشر اسلامی.
- قرآن کریم
- پورابراهیم، شیرین (۱۳۸۸). بررسی زبانشناختی استعاره در قرآن: رویکرد نظریه معاصر استعاره (چارچوب شناختی)، پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- خسروی، سمیرا، خاکپور حسین و دهقان، سمیرا. (۱۳۹۳). بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی). فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآن، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۹۴-۱۱۲.
- دراز، محمد عبدالله (۱۴۰۸ق). دستور الاخلاق فی القرآن الکریم، ترجمه عبدالصبور شاهین، بیروت: دار البحوث العلمیه.
- دستلان مرتضی و محمد ابراهیمی، زینب (۱۳۹۴). بررسی فعل‌های وجه‌نمای کمکی زبان فارسی در چارچوب الگوی نیرو-پویایی تالمی و الگوی شناختی آرمانی لانگکر. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال هفتم، شماره اول، شماره ترتیبی ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱-۱۶.
- ذوالفقاری، اختر. (۱۳۹۵). نظام حاکم بر استعاره‌های مفهومی در حوزه دنیوی و اخروی در زبان قرآن، پایان نامه دکتری دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، چاپ اول، دمشق، بیروت، دارالقلم، الدار الشامیه.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلیا (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی، تهران: علم.
- روشن، بلقیس و دیگران (۱۳۹۲). مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان، مجله زبان شناخت، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۷۵-۹۴.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی چاپ پنجم. قم: نشر فرهنگی رجاء.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶). قاموس قرآن، چاپ شانزدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قائم‌نی، علیرضا (۱۳۹۰). معنی‌شناسی شناختی قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- گلفام، ارسلان و بهرامی خورشید، سحر (۱۳۸۶). نگاهی شناختی به مفهوم سببیت در زبان فارسی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۵، پائیز ۱۳۸۶، صص ۶۲-۳۷.
- لوریا، الکساندر (۱۳۷۶). زبان و شناخت، ترجمه حبیب الله قاسم‌زاده، تهران: فرهنگان.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *آزادی معنوی*، تهران: صدرا.
- مرادی زنجانی، حسین و لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۵). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، انتشارات قلم مهر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مقیاسی، حسن (۱۳۹۵). نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۸-۹۳.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- Bartlett, F.C. (1932). *Remembering: A Study in Experimental and Social Psychology* Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Croft, W., & Cruse, D. A. (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press.
- Eweida, Sara. (2006). "The Realization of Time Metaphors and the Cultural Implications: An Analysis of the Quran and English Quranic Translations", Special Project PK, Stockholm University: Department of English.
- Johnson, M., & Lakoff, G. (2003). Why cognitive linguistics requires embodied realism. *Cognitive Linguistics* 13(3), 245-262.
- Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning Imagination, and Reason*. The University of Chicago press. Chicago and London:
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993). *The Contemporary Theory of Metaphor and Thought*. Andrew Ortony (Ed.). Cambridge: Cambridge University Press. pp202-251.
- Langacker, R. W. (2008). *Cognitive Grammar: a basic instruction*. Oxford: Oxford University Press.
- Langacker, Ronald W. (1991). *Foundations of Cognitive Grammar (Vol.2)*. Stanford: Stanford University Press.
- Shokr Mohammad Abdulmoneim, B. (2006). The Metaphorical Concept "Life is a journey in the Quran: a Cognitive- semantic analysis, *metaphorik.de*, 94- 132.
- Steen, G. J. (2002). The five Step Procedure for Metaphor Identification. *Style*, Vol.36, No.3:386-407.
- Takahashi, H. (2012). *A Cognitive Linguistic Analysis of the English Imperative: reference to Japanese Imperatives*, Amsterdam: John Benjamin's.
- Yu, Ning. (2003). "The Bodily Dimension of Meaning in Chinese: What Do We Do and Mean With "Hands"?" In: Eugene H. Casad & Gary B. Palmer (Eds.) *Cognitive Linguistics and NonIndo European Languages*. Berlin: Mouton deGrueter.